



ناشده

مورد حمایت قرار می‌گیرد؟

شرایطی که سخت و طاقت‌فرساست. از هزینه کپی گرفتن متن، برای توزیع بین بازیگران بگیرد تا اجاره پلاتو برای تمرین و مهیا کردن وسایل دکور، لباس و گریم. پس از چندین ماه تمرین باید به دنبال مجوز برای اجرا و یافتن تماشاخانه بود و بعد از آن، هزینه‌های تبلیغات محیطی و مجازی و... اینها بدون کوچکترین حمایت مالی، هزینه سنگینی به کار وارد می‌آورد که همه مربوط به قبل از فروش بلیت و استقبال تماشاگران است اما در این میان، حمایت‌های معنوی استاد شهرستانی و دوستان عزیز گروه، تنها دلیل تحمل این راه بود.

حضور آقای میکائیل شهرستانی به عنوان طراح و مشاور به چه صورت بود و در چه بخشی از این اثر حضور داشتند؟

من سالهاست افتخار شاگردی آقای میکائیل شهرستانی را دارم، حتی قبل از ورود به دانشکده سینما-تئاتر دانشگاه هنر تهران و این باعث مسرت بنده است که بتوانم از راهنمایی، هدایت، نگاه و بینش ایشان از انتخاب متن تا اجرا بهره ببرم.

الهام رضایی بازیگر نقش مار تا:

خودمان از خودمان حمایت می‌کنیم

شما چگونه برای نقش مار تا انتخاب شدید؟

بعد از چند سال همکاری با گروه استاد میکائیل شهرستانی و بازی در کارهای آقای مهدی ارجمند سال گذشته در نمایش «اسم» به کارگردانی خانم فرخنده نژاد حضور داشتم. در واقع نمایش چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟ دومین همکاری من با خانم فرخنده نژاد و سرپرستی استاد شهرستانی است. متناسب با کاراکترهای این نمایش، چند نفر انتخاب شدند و بعد از جلسات دورخوانی با توجه به توانایی بازیگران، شخصیت‌ها انتخاب و تمرینات اصلی شروع شد.

این نقش چه ویژگی‌هایی داشت که برای شما جذاب بود؟

افت و خیزها، واکنش‌های روانی، هیجانات و رفتارهای غیر نرمال مار تا برام جذاب بود. نقش قبلی من در نمایش اسم تقریباً زنی مطیع بود و کاملاً متفاوت از مار تا در ویرجینیا وولف. جسارت زن در عین اینکه همچنان با کودک‌اش همراه است، از موارد جذاب کاراکتر مار تا است.

برای ایفای نقش چه مسیری را طی کردید و آیا به نسخه‌های اجرا شده دیگر از این متن هم مراجعه داشتید؟

واقعیت این است که شاید برای عده‌ای از بازیگران بهتر است که قبل از شروع کار به بازی کسانی که قبلاً کار کرده‌اند نگاه کنند اما معمولاً من ترجیح می‌دهم متن را مرور کنم، با آن زندگی کنم و خودم با نقشم روی صحنه بروم.

فکر می‌کنید متن ایسن اثر چقدر با جامعه امروز ایران همخوانی دارد؟

در شروع کار تصور می‌کردم این کار خیلی دور از فضای جامعه و فرهنگ ما است اما متأسفانه در پارهای موارد با کم و زیادهایی از نزدیک چنین فضایی را به چشم دیده‌ام و شاید عمیقاً حس کردم که در ایران و حتی نزدیک خودمان هم افرادی را با شرایط جورج و مار تا داریم و فقط کافی است نگاهی متفکرانه به زندگی شان داشته باشیم.

جلسات تمرین چقدر طول کشید و بازخوردها چگونه بود؟

ما تقریباً از تیرماه دورخوانی شروع کردیم و قرار بود مهر ماه روی صحنه برویم ولی با اتفاقی‌هایی که در ماه‌های گذشته پیش آمد کار به تعویق افتاد و از اواخر فروردین تا ۱۹ اردیبهشت ما اجرا داریم. خوشبختانه استقبال خوب بود و خدا را شکر عجزی‌ای که کار ما را دیدند نظرات مثبت داشتند. ضمن اینکه نظرات منفی هم قطعاً در بهتر شدن کار موثر خواهد بود.

چه دورنمایی برای بازیگران زن تئاتر می‌بینید؟

متأسفانه من و امثال من چندین سال بدون امکانات و بدون حمایت با سختی کار می‌کنیم اما به چشم می‌بینیم دنیای سینما و حتی تئاتر فقط با گروهی خاص جلو می‌رود. نقش‌ها در بین دوستان تقسیم می‌شود به طوری که شما همزمان بازیگری را در چندین اثر می‌بینید. به عنوان یک شغل ترجیح می‌دهم حرفی نزنم و این تلخ است.

چقدر از تئاتر امروز ایران حمایت می‌شود؟

در چند سالی که من کار می‌کنم به هیچ عنوان حمایتی نمی‌بینم. حمایت صرفاً مالی نیست. ای کاش بزرگان تئاتر که سالهاست در این عرصه حضور دارند گاهی به سالن‌های تئاتر بیایند و جوانانی را ببینند که با همه سختی‌ها اما با دنیایی از عشق کار می‌کنند.

صرفاً استاد میکائیل شهرستانی تشکر می‌کنم که با وجود مشغله‌های فراوان در آموزش هنر جوانان، حمایت خودشان را از ما دریغ نکردند، در حالی که در همین شب‌ها در سالن استاد ناظر زاده نمایش باغ آلبالو را به روی صحنه می‌برند. بانو مرجان رزم‌آزما دراماتورژ کار و همه عزیزان با کمک‌های فراوان، ویرجینیا وولف را به روی صحنه بردند. ما صرفاً خودمان از خودمان حمایت می‌کنیم.

شیرین فرخنده نژاد:

قصه این خانه در پس‌خانه‌های ما نمایان است

درباره انتخاب این نمایشنامه ی‌بگوئید و ارتباط آن با جامعه امروز ایران بگوئید.

انتخاب یک متن، باید جهان شمول باشد و وابسته به زمان و مکان خاصی نباشد. در این صورت همیشه برای مخاطب، تازگی خود را دارد. در این داستان هم، زن و شوهری که مطمئناً روزی با عشق زندگی را آغاز کردند و افق‌های باز و روشنی برای خود متصور بودند، حال در میان سالی آن عشق کم‌کم رنگ باخته و تکرار روزمرگی‌ها و شکست‌ها، باعث رخوت و دلمردگی آنها شده و برای نجات از این بن‌بست دست به کارهای نامعقول می‌زنند. اما در نهایت باید واقعیت را پذیرفت.

فضای پر تنش این نمایش فکر می‌کنید چقدر در حوصله تماشاگر امروز ایرانی است؟

شکر خدا، باز خورد تماشاگران نشان می‌دهد که با نمایش ارتباط برقرار شده است. به هر حال قصه این نمایش می‌تواند در پس‌درهای خانه خیلی از ما، نمود عینی داشته باشد.

بازیگران را چگونه انتخاب کردید؟

بازیگران از دوستان عزیز و قدیمی‌ام هستند که سالهاست در کنار هم کار می‌کنیم و همگی از شاگردان استاد میکائیل شهرستانی هستیم. استقبال از آن در شرایط کنونی چگونه بود و آیا مخاطبان با آن ارتباط برقرار کردند؟

البته، در این کار روابط عمومی ما به موقع و در زمان مناسب، خوب عمل نکرد. با این حال از استقبال تماشاگران خوشنودم.

اجرای شما با سانسور هم مواجه شد؟

متن‌های خارجی، به واسطه فرهنگ خاص خودشان نوشته می‌شود و برای اینکه بتوانیم آن را با فرهنگ اسلامی جامعه تطبیق دهیم، مجبور به حذف بعضی قسمتها هستیم، به طوری که به اصل داستان صدمه وارد نشود.

شرایط کار کردن تئاتر در حال حاضر چگونه است و چقدر

برای بازیگران فراهم است و آیا به عنوان یک شغل می‌توان به آن تکیه کرد؟

این روضه پرروایتی است که بارها گفته شده است. هنر اصلاً در جامعه‌ای به آن بها داده می‌شود که در درجه اول معیشت آنها فراهم است. هنر جزء نیازهای عالی‌ه انسانی است و زمانی که کسی برای حداقل‌ها می‌جنگد، آمادگی روحی برای نشستن روی صندلی سالن نمایش و فرصتی برای دیدن نمایش هم ندارد. بنابراین، شرایط متأسفانه برای تئاتری‌ها خوب پیش نمی‌رود و از طرفی هم حمایت‌های دولتی حداقلی است. پرداختن به این مباحث مفصل است و در این مجال نمی‌گنجد اما آنچه در واقعیت صحنه هنرهای نمایشی شاهدیم این است که بسیاری از عزیزانی که به شکل حرفه‌ای یا پاره وقت و دانشجوئی وارد این حرفه می‌شوند اصلاً نمی‌توانند روی تئاتر به عنوان شغل سرمایه‌گذاری کنند زندگی با این شغل نمی‌چرخد و هنوز دغدغه متولیان فرهنگی ما تئاتر نیست چرا که هنوز به این نقطه نرسیده‌اند که این روایت‌ها هستند که سرنوشت یک ملت را روشن می‌کنند. این نکته بسیار مهمی است که در رساله پایان‌نامه‌ها نیز به آن پرداخته‌ام. اهمیت روایت در تعیین سرنوشت یک کشور برای ما هنوز جدی نیست.

در حالی که در آمریکا دو ستون اصلی همونی آنها سینما و غول نظامی است یعنی سینما به همان میزان یا شاید بیشتر از بخش نظامی حائز اهمیت است و با این دو ابزار توانسته‌اند همونی خود را به جهان تحمیل کنند.

ما اگر به تئاتر و سینما توجه کنیم بسیاری از مشکلات فرهنگی که مشکلات اقتصادی را نیز در پی داشته است، نیز بر طرف خواهد شد و جلوی خشونت‌های جاری در جامعه را نیز می‌گیرد چرا که اصلی‌ترین رکن تئاتر گفتگوست و زمانی که حرف دیگری را بشنویم و به هم احترام بگذاریم این تنش‌ها در جامعه نیز ایجاد نمی‌شود.

من معتقدم برخی از اتفاقات اخیر جامعه که هر کسی را با هر گرایشی متأثر کرد، ناشی از بی‌توجهی به هنرهای نمایشی است.